

آسیب‌شناسی سیاست کنترل موالید و قانون تنظیم خانواده^۱

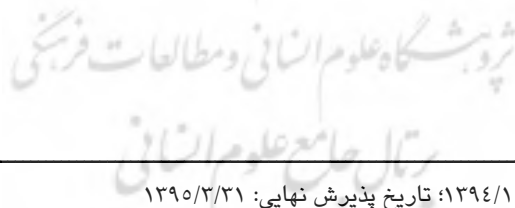
فائزه عظیم‌زاده اردبیلی^۲
زهرا جلالی^۳

چکیده

کنترل جمعیت و تحدید نسل، سیاستی است با روش‌های گوناگون که از سوی اندیشمندان کشورهای غربی اتخاذ و در سطح بین‌المللی به اجرا درآمده است؛ در حالی که این سیاست‌ها، مخالف آموزه‌های دینی ما و هدف آن، کاهش جمعیت جوامع مسلمان است و اجرای آن در کشورهای در حال توسعه و جوامع اسلامی، منجر به آسیب‌هایی در خانواده‌ها شده است. از این رو سوال اساسی در پژوهش حاضر آن است که سیاست کنترل جمعیت چه آسیب‌هایی را برای خانواده‌ها در پی دارد و دیدگاه فقها در خصوص روش‌های کنترل موالید چیست؟ در این مقاله با بررسی تاریخی به‌کارگیری سیاست‌های کنترل جمعیت در ایران، مطالعه اهداف این سیاست‌ها و همچنین بررسی نظرات فقها، به این نتیجه می‌رسیم که اجرای این سیاست‌ها، آسیب‌های فراوانی را به دنبال دارد؛ همچون آسیب‌های اخلاقی و تربیتی برای فرزندان، مجاز شدن سقط جنین و عقیم‌سازی، ابتلای زنان و مردان به بیماری‌های مختلف و... لذا باید از اجرای این سیاست‌ها جلوگیری به عمل آید و ضمن تشویق خانواده‌ها به تکثیر نسل، روش‌هایی برای مدیریت آن به‌کار گرفته شود.

واژگان کلیدی

سیاست کنترل جمعیت، کنترل موالید، خانواده، نرخ باروری، تنظیم خانواده



۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۱؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۳/۳۱

۲- دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران، تهران، ایران

azimzadeh@isu.ac.ir

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و حقوق خانواده دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران، تهران،

z_jalali67@yahoo.com

ایران (نویسنده مسؤول)

مقدمه

تمایل به تحدید نسل و کنترل جمعیت از گذشته‌های دور در جوامع مبتلا به قحطی و نزاع‌های درونی و برون‌ی وجود داشته است؛ اما طرح این موضوع به عنوان یک سیاست کارآمد، نخست در کشورهای اروپایی مطرح و پس از جنگ جهانی دوم به صورت جدی اجرا شده است و هدف آن، کاهش جمعیت جوامع مسلمان است. این پدیده در دو سده اخیر، مهمترین چالش فراروی حاکمان و سیاستمداران جهان بوده است. چالشی که بیش از پیش، توجه اندیشمندان و فرهیختگان را در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به چاره اندیشی واداشته است که «سیاست کنترل جمعیت و تنظیم خانواده»، به عنوان اساسی‌ترین راهکار در این خصوص به شمار می‌رود. خاستگاه این رویکرد، اندیشه ایجاد توازن میان امکانات محدود و نیازهای اساسی است که در تمامی انسان‌ها به صورت یکسان وجود دارد. در مقاطعی از تاریخ کشور ما نیز، سیاست دولت‌مردان بر فزونی جمعیت و در مقاطعی دیگر بر کنترل و کاهش آن بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بحث کنترل جمعیت به یک سیاست راهبردی تبدیل شد. نتیجه آن سیاست، امروز به بار نشسته و جامعه ایران را با معضل گسل و گسست نسلی، و پیری مفرط جمعیت مواجه ساخته است. اکنون نتیجه این سیاست در دهه ۹۰، آن است که با افت شدید جمعیت مواجه هستیم که در چند سال آینده منجر به رشد منفی و پیر شدن تدریجی جمعیت خواهد شد.

بیان مسأله

اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت، مخالف تعالیم و آموزه‌های دینی اسلام است. روایات مختلفی بر تکثیر نسل اشاره دارد؛ از جمله پیامبر اسلام فرموده است: «ازدواج کنید و در ازدیاد نسل بکوشید که من در روز قیامت به کثرت امتم مباحث می‌کنم/محدث نوری، ۱۴۰۸هـ ج ۱، ص ۱۴۹). از سوی دیگر اجرای این سیاست‌ها موجب بروز آسیب‌هایی در خانواده می‌شود؛ همچون اولویت یافتن رفاه و لذت مادی، جواز عقیم‌سازی، سقط جنین و ... لذا بررسی سیاست کنترل جمعیت و پیامدهایی ناشی از آن بر خانواده‌ها، ضروری به نظر می‌رسد. از این رو در پژوهش حاضر برآنیم که به این سوالات پاسخ دهیم: ۱- سیاست

کنترل جمعیت چه آسیب‌هایی را برای خانواده‌ها در پی دارد؟ ۲- دیدگاه فقها در خصوص روش‌های کنترل موالید چیست؟

مفهوم‌شناسی مصطلحات

در این قسمت مفاهیم واژگان کلیدی را مورد توجه و دقت نظر قرار می‌دهیم.

۱- کنترل موالید

موالید جمع ولد به فرزند، خواه فرزند انسان باشد و یا غیر آن بر مذکر و مؤنث، تشبیه و جمع اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۸۱۳: فراهیدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۱). همچنین به معنای فرزندان، نباتات و حیوانات است و در اصطلاح به معنای تولید و تکثیر نسل صالح و کاراست (دهخدا، ۱۳۴۴، ج ۱، نیل واژه).

کنترل واژه‌ای فرانسوی و مترادف واژه انگلیسی چک کردن^۱ به معنای رسیدگی و تطبیق با شرایط می‌باشد. کنترل موالید به دو معنا آمده است:

۱- در مواردی که تعداد فرزندان بیشتر یا کمتر از تعداد ضروری باشد، برای تعدیل تعداد فرزندان خانواده، کنترل لازم خواهد بود (جهانفر، ۱۳۷۷، ص ۵۲).

۲- کنترل موالید عملی آگاهانه و ارادی است که هدف از آن در عرصه خصوصی (در سطح خانواده)، توازن و تناسب میان امکانات اقتصادی و تعداد اولاد است و در عرصه عمومی (در سطح جامعه)، به منظور ایجاد تعادل میان جمعیت و تولید انجام می‌گیرد و الزاماً با محدود ساختن موالید و کاهش جمعیت ملازم نیست و چه بسا در مواردی مستلزم تکثیر جمعیت است (حسینی طهرانی، ۱۴۱۵ هـ، ص ۱۰۳). در مقاله حاضر مراد از کنترل موالید، محدود ساختن موالید و کاهش جمعیت می‌باشد.

۲- سیاست کنترل جمعیت

جمعیت واژه‌ای عربی است که به معنای تجمعی از افراد انسانی است که در منطقه‌ای معین به طور مستمر و معمولاً به شکل مجموعه‌ای از خانوارها زندگی می‌کنند و پایگاه

سیاسی، شرایط ملی و قومی واحدی دارند(تقوی، ۱۳۸۰، ص ۳).
سیاست کنترل جمعیت، مجموعه اصول، تدابیر و تصمیمات مدون جمعیتی است که از سوی دولت در کشوری اتخاذ می‌شود و حدود فعالیت‌های او را در رابطه با مسائل جمعیتی و یا اموری که نتایج جمعیتی دارند، تعیین می‌کند. هدف سیاست جمعیتی، منطقی کردن و هماهنگ ساختن دگرگونی‌های جمعیتی با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه است تا رفاه و بهروزی بیشتر جمعیت را فراهم سازد(ممان، ص ۵۷). هم چنین به معنای مجموعه اهدافی است که بعد از جنگ جهانی دوم توسط کشورهای غربی برنامه‌ریزی شد و با افزایش یا کاهش جمعیت ارتباط دارد(عظیم زاده، ۱۳۹۱، ص ۶).

۳- آسیب

در لغت به معنای «زخم»، «عیب»، «نقص» یا «شکستگی که به سبب ضربت و زخم پیدا می‌شود» و «صدمه»، «آفت» و «زیان» به کار می‌رود(معین، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۵۸). آسیب‌شناسی^۱ به عنوان یک اصطلاح در جرم‌شناسی مطرح است و به معنای شناسایی آسیب‌هاست.

تاریخچه

جمعیت ایران پس از دهه ۲۰، به دلیل افزایش مستمر مرگ و میر با کاهش جدی جمعیت مواجه بود؛ اما در دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۶۰، با رشد شتابان جمعیت مواجه گردید. به طوری که میانگین رشد سالانه جمعیت در این چهار دهه، به رقمی حدود ۳ درصد افزایش یافت. این رشد سالانه موجب شد که جمعیت ایران هر ۲۰ سال، دو برابر و در طول یک قرن، بیش از شانزده برابر شود؛ یعنی جمعیت ایران از ۱۹ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵، به حدود ۵۰ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ افزایش یابد. افزایش نرخ رشد اقتصادی کشور، ارتقای کیفیت و امید به زندگی در ایران و نیز گسترش بهداشت عمومی و به تبع آن کاهش میزان مرگ و میر نوزادان و اطفال، نقش تعیین کننده‌ای در رشد شتابان جمعیت ایران داشت. به عبارت دیگر، این تحولات موجب شد که رشد طبیعی سالانه جمعیت ایران در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، به رقم ۲/۲ درصد افزایش یابد(فولادی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۷).

.....
1- Pathology

در ایران سیاست‌های جمعیتی مبتنی بر تنظیم خانواده، طی دو مرحله به اجرا گذاشته شد: ابتدا پیش از انقلاب و از سال ۱۳۳۴ اداره‌ای به نام «بهداشت مادر و کودک» در وزارت بهداری تاسیس شد که به طور محدود، خدمات مشورتی لازم و وسایل پیشگیری از حاملگی را در اختیار مادران قرار می‌داد. در سال ۱۳۳۵ انجمن راهنمای خانواده با همکاری انجمن بین‌المللی راهنمای خانواده^۱ تاسیس شد که به زوج‌های متقاضی، خدمات مشورتی و وسایل کنترل حاملگی (مثل قرص‌های کف‌کننده و خنثی‌کننده اسپرم) می‌داد. با مشخص شدن حدود موالید و رشد آن در سرشماری سال ۱۳۴۵ سیاست‌های کنترل جمعیت به طور علنی و رسمی در برنامه‌های عمرانی چهارم و پنجم به عنوان یکی از برنامه‌های مهم رژیم شاهنشاهی محسوب شد (امانی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۱-۱۶۵).

در این دوران وجود موانع متعدد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از جمله بالا بودن نسبت بی‌سوادی و پایین بودن سطح آگاهی زنان به ویژه در نواحی روستایی، حاکم بودن نگرش سنتی و ارزش‌گذاری متفاوت به جنسیت فرزندان، پراکندگی روستاهای کشور، کمبود راه و وسایل ارتباط در روستاها و شهرها، دسترسی نامناسب روستاییان و ساکنان مناطق کمتر توسعه یافته کشور به خدمات بهداشتی از جمله برنامه‌های تنظیم خانواده، پایین بودن سن ازدواج و ... اجرای موفق برنامه‌های تنظیم خانواده را با محدودیت مواجه کرده بود.^۲

با شروع تحولات ناشی از انقلاب اسلامی از اوایل سال ۱۳۵۶ و با شروع دوران تحولات اجتماعی و سیاسی، خدمات تغییر و یا توقف جمعیتی دستخوش تغییراتی گردید. برنامه تنظیم خانواده به حالت تعطیل درآمد و در نتیجه رشد جمعیت مجدداً افزایش یافت و به ۲/۹٪ رسید. اما در سال‌های پس از جنگ تحمیلی و پس از سرشماری رسمی سال ۱۳۶۵، طرح بحث‌های تخصصی در مورد آینده و خطر تداوم رشد جمعیت و تأثیر آن بر توسعه، زمینه ساز شروع رسمی برنامه تنظیم خانواده در کشور شد. از این پس، موضوع کنترل جمعیت و لزوم تنظیم خانواده از سوی محافل گوناگون علمی و سیاسی مطرح و موافقت و مخالفت‌های زیادی در پی داشت.

همین امر موجب شد که سیاست‌های تعدیل رشد جمعیت از طریق تشویق و ترغیب

1- I.P.P.F

۲- برنامه‌های تنظیم خانواده در جمهوری اسلامی ایران (مؤسسه خدا).

برنامه‌های تنظیم خانواده و کاهش سطح زاد و ولد و باروری در کشور آغاز شود. در سال ۱۳۶۹ «شورای تحدید موالید» با تصویب دولت و به ریاست وزیر بهداشت تشکیل گردید و در سال ۱۳۷۰ با ایجاد «اداره کل جمعیت و تنظیم خانواده» برنامه‌های جمعیتی گسترش یافت و در سال ۱۳۷۲ قانون تنظیم خانواده مشتمل بر چهار ماده و دو تبصره در مجلس شورای اسلامی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید (نخعی، ۱۳۸۱، ص ۱۶).

این قانون انگیزه‌ها و پاداش‌های متعلق به خانواده‌های پر اولاد و فرزندان زیاد را قطع و مبانی قانونی مشخصی برای اعمال سیاست‌های کنترل موالید و اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده فراهم ساخت. بر اساس این قانون، کلیه امتیازات متعلق به فرزندان چهارم و بیشتر قطع و محدودیت‌هایی برای کثرت اولاد در نظر گرفته شد. همچنین به تمهیداتی فراتر از تنظیم خانواده دست یازید؛ مانند ایجاد فرصت‌های آموزشی و اشتغال زنان، تأمین امکان بقای نوزادان از طریق بهبود خدمات بهداشت مادر و کودک از یک سو و گسترش پوشش نظام تأمین اجتماعی به عنوان منبع تأمین و حمایت سنین کهولت از دیگر سو.

تداوم این سیاست‌ها موجب شد که طی سال‌های ۶۵ تا ۸۴ سطح «باروری» در ایران با سرعتی استثنایی و کم سابقه در سطح بین‌المللی کاهش یابد. به طوری که شاخص‌های باروری و به تبع آن، میزان زاد و ولد در مقایسه با سال ۱۳۶۵، به کمتر از نصف تقلیل یافت. بر اساس مطالعات انجام شده و نیز اطلاعات حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، میزان باروری کل در کشور به کمتر از ۲/۱ فرزند به ازای هر زن (حد جایگزینی) کاهش یافته است؛ در نتیجه با تداوم وضعیت فعلی ساختار جمعیت ایران از وضعیت جوانی خارج شده و به سوی سالخوردگی و پیری سوق پیدا می‌کند.

به گزارش مرکز آمار ایران نرخ رشد جمعیت ایران بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ به ۱/۲۹ رسیده است.^۱ بر اساس سناریوی رشد پایین جمعیتی که سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۰ منتشر کرده است، اگر ایران به همین صورت به ادامه جایگزینی جمعیتی بپردازد و برنامه‌ای برای تعادل آن نداشته باشد، در ۸۰ سال آینده جمعیت ۳۱ میلیونی را تجربه خواهد کرد که ۴۷ درصد این جمعیت را افراد سالمند بالای ۶۰ سال تشکیل می‌دهند. ایران در حال حاضر جزء ۱۰ کشوری است که به سرعت به سمت کهنسالی در حال حرکت

است و از این جهت در جایگاه ششم جهان قرار دارد.^۱ همچنین مطابق مطالعات جمعیت‌شناسی و دیدگاه‌های جمعیت‌شناسان در صورت تداوم روند فعلی باروری، رشد جمعیت کشور در حدود سال‌های ۱۴۱۵-۱۴۲۰ به صفر خواهد رسید و رشد جمعیت منفی شده و ساختار جمعیت در ۲۰ سال آینده به سمت سالخوردگی خواهد رفت.^۲

اهداف سیاست کنترل جمعیت

پروژه جهانی کنترل جمعیت و پیشگیری از به دنیا آمدن نسل‌های آینده، با نگرانی دولت‌های ثروتمند و برخوردار از ثروت‌های عظیم آغاز شد. این قدرت‌های بزرگ جهانی با همراه کردن اندیشه‌های اومانستی و به حاشیه راندن تفکر دینی و ارزش‌های انسانی در این امر، زمینه پذیرش ملت‌ها و دولت‌ها را برای کاهش جمعیت در جهان و نابودی نسل‌های انسانی فراهم نمودند. نتیجه این هجمه عظیم که از حدود نیم قرن پیش (۱۹۶۶) در میان سرخپوستان بومی آمریکا آغاز شد، تغییرات شگرف جمعیتی در جهان به خصوص کشورهای در حال توسعه و مخصوصاً کشورهای اسلامی بود (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲، ص ۲). اهداف کشورهای غربی از اجرای این سیاست‌ها در کشورهای اسلامی عبارتند از:

۱- کاهش جمعیت مسلمانان

میزان فروپاشی خانواده در کشورهای اسلامی نسبت به جوامع غربی بسیار پایین و در مقابل، میزان رشد جمعیت بالاست. «طی دهه شصت، حجم نسبی جمعیت دول سرمایه دار، سیر نزولی داشته است تا جایی که جمعیت این کشورها (اروپای غربی، ایالات متحده آمریکا و کانادا) ۸/۱۶ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌داد و این سیر نزولی به خاطر فروپاشی خانواده در این جوامع همچنان ادامه دارد» (حسینی طهرانی، ۱۴۲۵هـ ص ۸۷).

هرچند که شیعیان در سراسر جهان در میان ملل اسلامی پراکنده هستند، ولی تنها کشوری که در آن دولتی با حاکمیت شیعه سرکار است، کشور ایران است؛ این کشور هم

اکنون ام‌القرای جهان اسلام است و چشم جهان اسلام به آن دوخته شده است. این سرمایه ارزشمند شیعه که منادی اسلام ناب محمدی در جهان است، باید هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی شاخص‌های لازم را داشته باشد و یکی از این شاخص‌ها، جمعیت قابل قبول است که بتواند در برابر جهان کفر قد علم کند.

ساموئل هانتینگتون در بخشی از مصاحبه خود، درباره تمدن اسلام و چین و چالش آنها با تمدن غرب، با اشاره به نقش روزافزون مسلمانان می‌گوید: «تمدن اسلام تمدنی است که چالش آن تا حدودی متفاوت از دیگر چالش‌هاست؛ چرا که این تمدن اساساً ریشه در نوعی پویایی جمعیت دارد. رشد بالای زاد و ولد که در اکثر کشورهای اسلامی شاهد آن هستیم، این چالش را متفاوت کرده است. امروزه بیش از ۲۰ درصد جمعیت جهان اسلام را جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله تشکیل داده‌اند.» (گاردنر، ۱۳۸۶، ص ۲۹۶).

۲- کاهش اقتدار سیاسی و تغییر در ترکیب‌های دینی

نیروی جوان و پویای هر کشور، یکی از شاخصه‌های اقتدار نظامی و سیاسی آن کشور محسوب می‌شود. به طور قطعی جامعه‌ای که در سطح بین‌المللی دارای جمعیت بیشتر و جوان‌تری است، می‌تواند دارای ارتش و قدرت نظامی قوی‌تری باشد. کشوری که دارای جمعیت اندک و یا پیر باشد، توان رویارویی مقتدرانه در برابر تجاوز بیگانگان را نخواهد داشت. به عبارت دیگر، رشد منفی جمعیت نژاد اروپایی و زاد و ولد زیاد مسلمانان، می‌تواند در بسیاری از مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای مزبور اثر بگذارد. البته روشن است که جمعیت به کمک عوامل دیگری چون پویایی اقتصاد، اصرار بر حفظ ارزش‌های ملی، دینی و سنتی با اتکا بر فرهنگ و اجتماعی غنی، چنان تأثیری را بر جای خواهد گذاشت. لذا افزایش جمعیت کشورهای اسلامی، معضل عمده فراروی کشورهای استعماری است و از همین رو سایر کشورها را تشویق به کنترل جمعیت می‌کنند.

نکته حائز اهمیت در خصوص کاهش جمعیت، برنامه‌ای است که سیاستمداران و استراتژیست‌های آمریکایی و اروپایی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته‌اند. برژینسکی مشاور سابق امنیت ملی آمریکا در مصاحبه‌ای با روزنامه «وال استریت ژورنال» در مارس ۲۰۰۹، در خصوص تغییر جمعیت ایران نکته‌ای بیان کرد که ابعاد بسیار گسترده‌ای

دارد. وی در این مصاحبه گفته بود: «از فکر کردن به حمله پیش‌دستانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران بپرهیزید و گفت‌گوها با تهران را حفظ کنید، بالاتر از همه بازی طولانی مدتی را انجام دهید؛ چون زمان و آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست»^۱.

در سال ۱۹۸۱ ماکسول تیلور، عضو شورای روابط خارجی رژیم اشغالگر قدس، در جریان مصاحبه‌ای درباره ازدیاد جمعیت صریحاً اعلام کرد: «من پیشاپیش به مردن بیش از یک میلیارد انسان فکر کرده‌ام. این‌ها در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین زندگی می‌کنند. بحران جمعیت و مسأله تأمین و عرضه غذا حکم می‌کند حتی برای نجات جان این اشخاص تلاش نکنیم» (گارودی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۰).

این سخنان نشان‌دهنده هراس فوق‌العاده تحلیلگران غربی از جمعیت جوان کشورهای اسلامی و به ویژه ایران است. آن‌ها به خوبی می‌دانند که افزایش جمعیت جوان، افزایش اقتدار سیاسی را در پی دارد؛ چرا که این قشر در هنگام خطر تمام انرژی خود را صرف دفاع از کشور و نوامیس خود می‌کنند.

در آمارهای رسمی که از اداره آمار و ثبت احوال کشور به دست می‌آید، این نظریه را ثابت می‌کند که اجرای سیاست کنترل جمعیت باعث شده که جمعیت شیعیان روز به روز در حال کاهش باشد و اگر روند کنترل جمعیت و تنظیم خانواده ادامه پیدا کند، در آینده‌ای نه چندان دور در کشورمان با تبدیل اقلیت به اکثریت و اکثریت به اقلیت مواجه خواهیم شد.

۳- بحران اقتصادی

از اصلی‌ترین پایه‌های پیشرفت و توسعه یک کشور، نیروی انسانی است. توسعه و رونق اقتصادی وابسته به نیروی جوان و کارآمد است. کشوری که با پیری جمعیت روبه‌رو می‌شود، خود به خود جمعیت جوان و نخبه آن دچار آسیب می‌گردد. از سوی دیگر اگر دولتی بخواهد در خدمت مردم باشد و همه توان و ظرفیت منابع ملی، سرمایه و زیرساخت‌های سخت افزاری و نرم افزاری را برای توسعه اقتصادی جامعه به کار گیرد، وجود نیروهای جوان، فعال و کارآمد عاملی برای شتاب روند توسعه اقتصادی می‌باشد؛

اما با اجرای طرح کنترل جمعیت، اکثر جمعیت ایران را افراد سالخورده تشکیل می‌دهند و به موازات پیر شدن جمعیت و کاهش نرخ رشد جمعیت، تولید نیز در کشور کاهش می‌یابد، در نتیجه بحران اقتصادی کشور را فرا خواهد گرفت؛ لذا توسعه یافتگی بدون برنامه‌ریزی و وجود منابع انسانی کمی و کیفی جوان، فعال و ماهر، مؤثر و نتیجه‌بخش نیست. در حقیقت کاهش زاد و ولد، نه تنها یک کشور را به سمت جمعیت پیر سوق می‌دهد، بلکه اضافه بر آن به دلیل کاستن از میزان جمعیت فعال و کارآمد، به تضعیف بیش از پیش ساختارهای اقتصادی و در نتیجه عقب افتادگی کشور از قافله توسعه جهانی می‌انجامد.

۴- تغییر موقعیت زن و نقش وی در جامعه

یکی از اهداف اجتماعی کنترل جمعیت، محدود کردن ازدواج‌ها و کشاندن بی‌رویه زنان به صحنه اجتماع و فعالیت‌های اقتصادی و در یک کلام نابود کردن بنیاد خانواده و ایجاد فساد اجتماعی است. در حقیقت طرح مسأله رشد فکری زن و بالا بردن سطح آگاهی وی از سوی کشورهای غربی به عنوان وسیله‌ای برای کاهش سطح رشد جمعیت در کشورهای اسلامی استفاده می‌شود. در نتیجه این سیاست، زنان مسلمان چیزی از نوع آزادی زن غربی به دست می‌آورند که به بازار کار روی می‌آورند و منادی جدا شدن از ارزش‌های اجتماعی خویش می‌شوند تا بدین وسیله زن همراه با تمدن غربی در مسیر بی‌دینی پیش برود و الگوهای غربی را برای خود بپذیرد؛ بدین صورت که بچه‌دار شدن با آزادی، استقلال و تحقق هویتشان در تضاد است. کشورهای غربی تلاش می‌کنند زنان را متقاعد کنند که زایمان، زیبایی و سلامتی زن را به خطر می‌اندازد (حسینی طهرانی، ۱۴۲۵هـ، ص ۸۷-۸۸ و ۱۲۳).

در دستورالعمل سازمان ملل در متون آموزشی کشورها بر «حق انسانی زنان در امور باروری و امور جنسی» تأکید شده است. این شعار با ظاهری حقوق بشری که قطعاً توجه همه زنان را به خود جلب می‌کند، عملاً اجازه و فرصت به دنیا آمدن نسل‌های آینده را به دست زنان می‌سپارد. زنانی که با داشتن «حق مدیریت بدن» کمتر تمایلی به آوردن فرزند دارند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲، ص ۲۵).

همچنین بر اساس نگرش فمینیستی، نقش مادر در خانواده و تربیت فرزندان از ارزش و اعتبار زن در اجتماع می‌کاهد و باعث می‌شود زن از رشد اجتماعی و پیشرفت همپای

مردان باز ماند. به باور این گروه ارزش زن و اعتبار واقعی آن در نقش مادری دلسوز برای فرزندان نیست؛ بلکه در میزان کارکرد اجتماعی و فعالیت‌های عمومی وی برای جامعه است (سوختانلو و رحمت‌آبادی، ۱۳۹۲، ص ۵۳).

بنابراین در نتیجه سیاست‌های جمعیتی، تغییراتی در سبک زندگی افراد به وجود می‌آید. از جمله نقش سنتی زنان و مردان در جامعه تغییر پیدا کرده، به تبع آن، نظام ارزشی و نگرشی افراد به ازدواج و تشکیل خانواده و فرزندآوری دگرگون می‌شود و مسائل و مشکلاتی را پدید می‌آورد که پایداری خانواده را با تهدید مواجه می‌کند. از سوی دیگر، با توجه به آن که یکی از اهداف اجتماعی ناظر به کنترل جمعیت، محدود کردن ازدواج‌ها و کشاندن بی‌رویه زنان به صحنه اجتماع و فعالیت‌های اقتصادی و... است، اثر این اندیشه، ایجاد زمینه رشد فساد و انحرافات اجتماعی و از بین بردن تمامی اهداف انقلاب و اسلام است؛ زیرا هیجانات جنسی جوانان باید به نحوی اطفای شهود، خود را در سطح جامعه به صورت روابط نگردد و سن ازدواج بالا رود، این اطفای شهود، خود را در سطح جامعه به صورت روابط نامشروع جلوه‌گر می‌کند و با رشد یافتن این روابط نامشروع، به یقین جامعه به سمت تباهی و نابودی کشیده می‌شود.

۵- بحران فرهنگی و اجتماعی

تفکر کنترل جمعیت و تک‌فرزندی، آثار و تبعات فرهنگی خاصی دارد. مثلاً در این فرهنگ، برخی خانواده‌ها که از تنهایی رنج می‌برند، خلأ انس با فرزند را با انس با حیوانات به ویژه سگ پر می‌کنند. روشن است خانواده‌ای که فرزند نمی‌آورد یا تک‌فرزند است و فرزندش به دانشگاه رفته و یا ازدواج کرده است، چنین خلأی را در زندگی احساس می‌کند و برای جبران آن راهکارهایی می‌اندیشد که غربی‌ها اندیشیده‌اند. از سوی دیگر، با ادامه سیاست‌های کنترل جمعیت در کشور، صله رحم و آداب اجتماعی اسلام به فراموشی سپرده خواهد شد.

ضرورت افزایش جمعیت از دیدگاه فقهای معاصر

اسلام از دو منظر به توالد و رشد جمعیت نگرسته است و آیات قرآن کریم و روایات به هر دو وجه پرداخته‌اند. برخی از روایات ناظر به تکثیر کمی اولاد است. به عنوان مثال امام باقر از قول پیامبر اکرم ﴿ فرمودند: «با دختر باکره‌ای که فرزند زیاد می‌آورد، ازدواج

کنید و با زن زیبایی نازا ازدواج نکنید؛ زیرا من به فزونی جمعیت شما در روز قیامت مباحثات می‌کنم» (کلینی، ۱۴۰۵ هـ ج ۵، ص ۲۲۳). از سوی دیگر، در تعابیر روایی ما، مسأله تکثر بدون دغدغه دینی و تربیتی نیست. در روایت آمده است: نیک بنگر که فرزندان را در کجا قرار می‌دهی؛ زیرا نطفه (و ژن‌ها و خصوصیات ارثی)، خواه ناخواه منتقل می‌شود و اثر می‌گذارد (حر عاملی، ۱۴۱۴ هـ ج ۱۴، ص ۱۰۵).^۱ این دسته از روایات به جنبه مهم دیگری پرداخته‌اند و آن عنایت به بحث تربیتی و پرورشی فرزند است. مسأله تولید نسل تمام زندگی زوجین را متأثر می‌سازد و از آن جمله اصالت و تربیت همسری است که انتخاب می‌شود؛ زیرا او مقدمه داشتن فرزند صالح است. بنابراین طبق دیدگاه اسلام، فزونی کمی و کیفی جمعیت باید با هم مورد توجه قرار گیرد.

امام خمینی (ره) درباره ضرورت افزایش جمعیت فرموده‌اند: «مملکت ایران حالا می‌گویند ۳۵ میلیون جمعیت دارد. وسعتش آنقدر است که برای ۱۵۰ میلیون تا ۲۰۰ میلیون جمعیت کافی است، یعنی اگر ۲۰۰ میلیون جمعیت داشته باشد، در ایران به رفاه زندگی می‌کنند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۳۹۳).

مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان نظام در تاریخ ۱۳۹۰/۰۵/۱۶ فرمودند: «من معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم، می‌تواند صد و پنجاه میلیون نفر جمعیت داشته باشد. من معتقد به کثرت جمعیتیم. هراقدام و تدبیری که می‌خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از صد و پنجاه میلیون انجام بگیرد».

همچنین در جای دیگر ایشان فرمودند: «این کشور با این سطح وسیع، با این تنوع آب‌وهوایی، با این امکانات فراوان زیرزمینی، با این استعداد بالقوه علمی که در این کشور وجود دارد، می‌تواند یک کشور پرجمعیتی باشد و ان‌شاءالله خودش هم این جمعیت را اداره کند؛ یعنی همچنان که ما فکر می‌کنیم که اگر چهار پنج بچه افتاد روی دوش یک خانواده وضع زندگیشان چگونه خواهد شد، فکر این را هم بکنید که این چهار پنج بچه وقتی بزرگ

۱- «انظُرْ فِي أَيِّ شَيْءٍ تَضَعُ وَلَدَكَ فَإِنَّ الْعَرَقَ دَسَّاسٌ.»

۲- «قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّا كُمْ وَ خَضْرَاءُ الدَّمَنِ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خَضْرَاءُ الدَّمَنِ؟ قَالَ: الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنبَتِ السَّوِّءِ.»

(قمی، ۱۴۱۳ هـ ج ۳، ص ۳۹۱).

شدند و کاری پیدا کردند و شغلی پیدا کردند چه کمکی می‌توانند به پیشرفت کشور بکنند» (۱۳۹۲/۸/۸).

ذکر این نکته ضروری است که تأکید بر افزایش هدفمند و مدیریت شده جمعیت کشور، چند سالی است که از جمله رویکردها و راهبردهای کلان نظام تعریف شده است و تدابیر وسیعی نیز برای تحقق اهداف این رویکرد مهم اندیشیده و اجرا می‌شود. چنان که رهبر معظم انقلاب نیز با توجه به اهمیت این مقوله در افزایش قدرت ملی و بالندگی و پویایی کشور از یک طرف و مصون سازی کشور از پیامدهای و آسیب‌های ناشی از پیری جمعیت که ممکن است در آینده ظهور و بروز پیدا کند، سیاست‌های کلی جمعیت را جهت اجرا و برنامه ریزی کاربردی به قوای سه گانه ابلاغ نموده‌اند. اما آنچه که از مطالعه فحوای نکات مورد تأکید رهبر انقلاب در سیاست‌های کلی جمعیت به دست می‌آید، نقش و جایگاه ویژه کثرت جمعیت در تضمین و ارتقای قدرت و امنیت ملی و همچنین رشد و توسعه کشور در حوزه‌های مختلف اقتصادی می‌باشد که باید به عنوان یک فرصت و امتیاز مد نظر همگان به خصوص نهادهای مرتبط اجرایی قرار گیرد. به عبارت دیگر، در اندیشه سیاسی رهبر انقلاب، مناسبات میان قدرت و اقتدار ملی و توسعه اقتصادی با کثرت جمعیت و قابلیت‌ها و توانمندی‌های مرتبط با آن که در اصل به مثابه یک ثروت کلان ملی به شمار می‌رود، نباید به عنوان مسأله ساده انگاشته شود.

آیت‌الله سبحانی تبریزی نیز ضمن انتقاد از ایجاد محدودیت برای رشد جمعیت کشور در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۹۱ می‌فرماید: «در شرایط کنونی محدود کردن نسل خلاف شرع و گناه است. بدبینی به خداوند جایز نیست. پزشکان نباید محدود کردن نسل را ترویج کنند. تحدید نسل نه کاری دینی و نه عقلایی است؛ زیرا کشور ما ظرفیت‌ها و منابع زیادی دارد که با مدیریت درست می‌توانیم به کشوری قدرتمند تبدیل شویم. خانه‌های کم فرزند و بدون فرزند مثل زندان است و وجود فرزندان زیاد، موجب شادابی خانه و خانواده است. شعار "فرزند کمتر، زندگی بهتر" خلاف قرآن است و از یهود آمده است. این کار به صلاح مملکت نیست و باید بدانیم که نابغه‌ها در میان همین جمعیت زیاد پیدا می‌شوند»^۱.

همچنین آیت الله مکارم شیرازی با انتقاد از سیاست کاهش جمعیت معتقدند: «وضعیت

جمعیت در کشور ما به شدت رو به ضعف و خطر می‌رود و سال به سال آمار جمعیت کشور ما کمتر می‌شود. اگر به همین صورت پیش برویم، جمعیت ما تبدیل به نصف و حتی کمتر می‌شود؛ در این صورت جامعه ما به یک جامعه پیر تبدیل و مشکلات بسیاری برای کشور ایجاد خواهد شد. هر خانواده باید حداقل سه فرزند داشته باشد. تک فرزندی و دو فرزندی شعاری غلط است. به ویژه فرزندان تک غالباً افرادی پر توقع و مضر به حال جامعه هستند؛ به هیچ وجه یک فرزندی و دو فرزندی نباید ترویج شود. باید به عنوان وظیفه شرعی و وظیفه اجتماعی این مسأله را مورد توجه قرار دهیم (برس خارج فقه ۹۲/۲۷).

بنابراین با توجه به روند رو به رشد ایران در زمینه‌های مختلف علمی، فناوری، اقتصادی و سیاسی، افزایش جمعیت کشور ضروری به نظر می‌رسد. همچنین عوامل تشویقی و ترغیبی فرزند آوری بیشتر، باید تبیین و به مردم اعلام شود و دولت نیز باید با برنامه‌ریزی صحیح برای افزایش جمعیت کشور تلاش کند. البته رشد کمی جمعیت باید با رشد کیفی آن (علمی، فرهنگی و اقتصادی) همراه باشد.

دیدگاه فقها در خصوص روش‌های کنترل جمعیت

شیوه‌های جلوگیری از تکثیر نسل، روش‌های متعددی است که هر یک ناظر به یک یا چند مرحله از مراحل پنج گانه پیدایش جنین است. لذا در این قسمت به راه‌های پیشگیری به طور اجمال اشاره شده و سپس حکم فقهی هر کدام بیان می‌گردد.

۱- عزل

یکی از روش‌های بسیار قدیمی تنظیم خانواده، روش «عزل» یا آمیزش ناتمام است. در این روش، جماع قبل از انزال منی پایان می‌یابد. از آنجا که در زمان‌های سابق، تنها این روش در جوامع اسلامی و بعضاً غیر اسلامی متداول بوده، در کتب فقه تنها در مورد این روش بحث شده و آرای فقهی مختلف درباره آن ارائه شده است.

عزل کردن عبارت است از مقاربت ناقص و منقطع به صورتی که مانع از رسیدن اسپرم به تخمک و جلوگیری از عمل لقاح گردد. فقها در بعضی موارد مثل امه، حرّه عقد منقطع و حرّه دایمی با رضایتش، حکم به جواز عزل داده‌اند. آنچه در این باره مورد اختلاف واقع شده، جایی است که مردی زن آزاده را به عقد دایم خود درآورده است و بخواهد بدون

رضایت یا بدون اشتراط با وی هنگام عقد، به این عمل مبادرت نماید. مشهور فقها به جواز عزل همراه با کراهت آن قائل شده‌اند/عاملی، ۱۳۱۳هـ.ج، ص ۷، ۶۴؛ همو، ۱۴۱۰هـ.ج، ص ۱۰۲-۱۰۳؛ نجفی، ۱۴۰۴هـ.ج، ص ۱۱۲-۱۱۴؛ اصفهانی، ۱۴۱۶هـ.ج، ص ۲۶۹-۲۷۰؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸هـ.ج، ص ۱۱، ۶۴. اما برخی فقهای متقدم مثل شیخ طوسی، شیخ مفید و... قائل به حرمت شده‌اند و معتقدند که زوج باید دیه هم پرداخت نماید. شیخ طوسی بر این اعتقاد است که زوج در صورت عزل زوجه دایمی بدون رضایت وی، مرتکب معصیت شده است و باید ده دینار دیه جنین را بپردازد و به اجماع فقها، روایات و اصل احتیاط تمسک نموده است/طوسی، ۱۴۰۷هـ.ج، ص ۳۵۹. شیخ مفید چنین اظهار کرده است که هیچ مردی حق ندارد حره دایمی خود را عزل کند، مگر آن که وی رضایت داشته باشد/مفید، ۱۴۱۳هـ.ج، ص ۵۱۶.

علاوه بر مواردی که بیان شد، برخی فقهای دیگر نیز به حرمت عزل در این فرض فتوا داده‌اند/طوسی، ۱۴۰۸هـ.ج، ص ۳۱۴؛ عاملی، ۱۴۱۰هـ.ج، ص ۱۷۴؛ سیوری حلی، ۱۴۰۴هـ.ج، ص ۲۴.

۲- سایر روش‌های پیشگیری از بارداری

با روشن شدن حکم عزل از نظر فقهی در قسمت قبلی، به بررسی سایر روش‌های پیشگیری از بارداری می‌پردازیم. به طور کلی این روش‌ها را می‌توان به صورت ذیل دسته‌بندی کرد:

الف- روش‌هایی که اساساً مانع لقاح و تشکیل نطفه هستند. این گونه روش‌ها، برخی به صورت مکانیکی و برخی به صورت شیمیایی یا هورمونی مانعیت ایجاد می‌کنند. عقب کشیدن (عزل)، شیردهی، خودداری دوره‌ای، کاندوم، دیافراگم، کلاهک و اسپرم‌کش‌های واژینال از جمله روش‌های مکانیکی و قرص‌های ضد بارداری، پیشگیری‌کننده‌های هورمونی تزریقی و کاشت‌های زیرپوستی، از جمله روش‌های هورمونی یا شیمیایی هستند. روش‌های عقیم‌سازی به صورت جراحی چنین کاری را انجام می‌دهند.

ب- روش‌هایی که به لحاظ پزشکی در ایجاد مانعیت آن پیش از لقاح و تشکیل نطفه یا پس از لقاح مورد تردید است. وسایل داخل رحم مانند IUD از این جمله هستند.

ج- روش‌هایی که پس از تشکیل نطفه مانعیت ایجاد می‌کنند. سقط جنین در این دسته گنجانده می‌شود که معمولاً روش‌های پیشگیری از بارداری به شمار نمی‌آید/طلعتی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۷.

با توجه به این که در حال حاضر روش‌های مختلفی برای جلوگیری از بارداری وجود دارد، بسیاری از فقهای معاصر سایر اسباب جلوگیری را مشمول حکم عزل دانسته‌اند و در صورت عدم رضایت حره دایمی قائل به کراهت آن شده‌اند. همچنین در صورت توافق زوجین، حکم به جواز آن داده‌اند. اما جلوگیری زن بدون رضایت همسرش جایز نیست (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶هـ ص ۲۳۷-۲۳۹؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۲هـ ج ۳، ص ۲۸۲-۲۸۳؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۴۲۰هـ ج ۲، ص ۳۰-۲۹). البته باید به این نکته توجه کرد که برخی روش‌های پیشگیری، عوارض و ضررهایی را متوجه انسان می‌کند. از این رو، برخی چنین استدلال می‌کنند که استفاده از این گونه روش‌ها به دلیل آن که به بدن ضرر می‌رساند، جایز نیست. به طور مثال اگر روش‌های پیشگیری «اضرار به نفس» را در پی داشته باشد، مشهور فقها آن را حرام می‌دانند. از سوی دیگر ممکن است برخی روش‌های پیشگیری، ضرری نداشته باشد؛ اما مسأله نحوه استفاده از آن و نگاه و لمس افراد نامحرم به قسمت‌هایی از بدن بیمار که شرعاً جایز نیست، مطرح می‌شود. در این حالت عقیده بر آن است که این دو تنها در صورت ضرورت، آن هم به مقدار رفع ضرورت و حسب رعایت مراتب اضطرار جایز است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶هـ ص ۲۳۴؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۴۲۰هـ ص ۳۰؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۲هـ ص ۲۸۲-۲۸۴).

در خصوص سقط جنین، اکثر فقها قائل به حرمت آن هستند، اگرچه به صورت نطفه باشد (موحدی لنگرانی^۱، ۱۴۲۲هـ ص ۳۹۲؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۲هـ ص ۲۸۴؛ بهجت گیلانی، ۱۴۲۸هـ ج ۴، ص ۷۴-۷۶ و ۷۷؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۴۲۰هـ ص ۳۰-۳۱).

بررسی سیاست‌ها و قوانین موجود در حوزه افزایش جمعیت

با افزایش ۳/۹ نرخ رشد جمعیت در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۶۵ موضوع کنترل جمعیت و لزوم تنظیم خانواده از سوی محافل گوناگون علمی و سیاسی مطرح شد که منجر به تصویب قانون تنظیم خانواده و جمعیت در سال ۱۳۷۲ گردید که در ماده ۱ آن تصریح شده کلیه امتیازاتی که در قوانین بر اساس تعداد فرزندان یا عایله پیش‌بینی و وضع شده‌اند، در مورد فرزندان چهارم و بعد که پس از یک سال از تصویب این قانون متولد می‌شوند، قابل

۱- «لا يجوز إسقاط الحمل و إن كان نطفة و فيه الدية، و لا فرق فی ذلك بین كونه من حلال أو حرام»

محاسبه و اعمال نخواهد بود. همچنین در تبصره ۱ آن گفته شده مرخصی بارداری و زایمان کارگران زن برای فرزندان چهارم و بعد، از مرخصی استحقاقی موجود و آتی کارگر کسر خواهد شد و نیز حق بیمه فرزندان شامل فرزندان چهارم و بیشتر نمی‌شود، اما در سال ۱۳۹۰ با تصویب لایحه «اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده»، قانون تنظیم خانواده مصوب ۱۳۷۲ و نیز کلیه محدودیت‌ها و محرومیت‌هایی که در قوانین مختلف براساس تعداد فرزندان برای والدین شاغل یا فرزندان آنان ایجاد شده بود، لغو گردید.^۱

در تاریخ ۱۸ مهر ۱۳۹۱ مصوبه «راهبردها و اقدامات ملی مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن متناسب با آموزه‌های اسلامی و اقتضائات راهبردی کشور» که در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است، برای اجرا ابلاغ شد. در این مصوبه به راهبردهای ملی همچون فرهنگ‌سازی برای دستیابی به جمعیت مطلوب و اصلاح بینش مسؤولان و مردم نسبت به پیامدهای منفی کاهش باروری، تدوین سیاست‌ها، برنامه‌ها و قوانین حمایتی و تشویقی برای دستیابی به نرخ باروری مناسب، لغو قوانین و مقررات مشوق کاهش باروری، تدوین الگوی سبک زندگی و ترویج آن به‌ویژه فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی و اشتغال زنان متناسب با معیارهای اسلامی و هماهنگ با مصالح خانواده به منظور ایفای هر چه کامل‌تر نقش مادری و همسری و... اشاره شده است. اقداماتی که باید متناسب با این راهبردها صورت پذیرد، عبارتند از: برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی در تسهیل ازدواج، کاهش سن ازدواج و استحکام خانواده، بازنگری و وضع قوانین و مقررات حمایتی و تشویقی فرزندآوری به صورت پلکانی با رعایت سه معیار سن ازدواج، فاصله موالید و تعداد فرزندان از طریق پیش‌بینی الزاماتی همچون پوشش بیمه اجباری درمان رایگان مادر و کودک از ابتدای بارداری تا پایان دو سالگی کودک برای کسانی که فاقد پوشش بیمه درمانی می‌باشند، افزایش مدت مرخصی استعلاجی زایمان به ۹ ماه و مرخصی بدون حقوق به ۲۱ ماه، افزایش سنوات تحصیلی دانشجویان مادر به ازای هر فرزند، احتساب خانه‌داری به عنوان شغل و کمک به بیمه بازنشستگی زنان متأهل خانه‌دار با پرداخت بخشی از حق بیمه توسط دولت متناسب با درآمد خانواده و...^۲

1 - <http://rc.majlis.ir>

۲- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به : مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی به نشانی:
<http://www.iranculture.org/>

علاوه بر این، در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۳ سیاست‌های کلی جمعیت که براساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده است، از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شدند. ارتقای پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت با افزایش نرخ باروری، رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران به ویژه در دوره بارداری و شیردهی و پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان، ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی و مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی، رصد مستمر سیاست‌های جمعیتی در ابعاد کمی و کیفی با ایجاد ساز و کار مناسب و ... از جمله مواردی است که در آن ذکر شده است^۱

سؤال مهم این است که با توجه به ضرورت تجدید نظر در سیاست‌های جمعیتی کشور، آیا قوانین جدیدی در جهت افزایش جمعیت کشور تدوین شده است؟

در سال ۱۳۹۱ «طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده» از سوی برخی از نمایندگان مجلس با تکیه بر رهنمودهای مقام معظم رهبری در بازنگری سیاست‌های جمعیتی و با هدف نیل به نرخ باروری ۲/۵ درصد کمی جمعیت تا سال ۱۴۰۴ توأم با ارتقای کیفی جمعیت و تثبیت آن تا سال ۱۴۳۰ هجری شمسی به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردید که در این طرح امتیازات و تسهیلاتی را برای تشویق خانواده‌ها به افزایش تعداد فرزندان نظیر افزایش مرخصی‌های زایمان، ارائه سبک زندگی سالم و ساده متناسب با معیارهای اسلامی، آموزش مهارت‌های لازم در راستای تحکیم بنیان خانواده، کاهش ساعات کار و مشاغل نیمه حضوری بانوان و ... پیش بینی شده است. اما متأسفانه به دلیل وجود هزینه‌های مالی سنگین این طرح به ادعای برخی، هنوز مورد تصویب قرار نگرفته است.

تبصره ۲ قانون اصلاح تنظیم خانواده و جمعیت، به دولت اجازه می‌دهد مرخصی زایمان مادران را تا ۹ ماه افزایش دهد و همسر آنان نیز از دو هفته مرخصی اجباری (تشویقی) برخوردار شوند. این قانون به مادرانی که سن فرزندان آن‌ها به سن نه ماهگی نرسیده است، تسری می‌یابد. ضعف این ماده آن است که دولت را در افزایش مرخصی زایمان مکلف نکرده است؛ از این رو بسیاری از سازمان‌ها و نهادها ممکن است به دلیل داشتن بار مالی، اقدام به این امر ننمایند و همین امر موجب ضعف و عدم کارایی قانون شود.

aa

طرح افزایش نرخ باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت کشور مصوب مجلس شورای اسلامی که در سه ماده تنظیم شده است، ایرادهای مختلفی دارد. در ماده ۱ این قانون، کلیه اعمال جراحی به منظور پیشگیری دایمی از بارداری ممنوع است، مگر در موارد مرتبط با تهدید سلامتی. ایراد وارد به این ماده آن است که سلامت دارای چهار بعد جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی است و برای پوشش کلیه ابعاد آن باید با جامعیت بیشتری اقدام شود. از سوی دیگر این مصوبه در بخش‌های مختلف از جمله افزایش باروری منطبق با سیاست‌های کلی جمعیت ابلاغی مقام معظم رهبری نیست. فرهنگ سازی در خصوص تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، اختصاص تسهیلات مناسب به مادران به خصوص در دوران بارداری و شیردهی، ترویج سبک زندگی ایرانی - اسلامی و... از جمله سیاست‌های جمعیتی ابلاغی از سوی رهبری است که در این طرح به آن توجهی نشده است.

در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز به افزایش سنوات تحصیلی دانشجویان مادر به ازای هر فرزند و امکان گذراندن دوره تحصیلی خود به صورت نیمه حضوری یا مجازی، فراهم آوردن امکان حضور منعطف و کاهش ساعات کار موظف، ایجاد امتیازات خاص و تسهیلات لازم در طرح دورکاری و نیمه حضوری و سایر شیوه‌های مناسب اشتغال برای زنان باردار و مادران دارای فرزند زیر ۵ سال اشاره شده است که باید دستورالعمل اجرایی مربوط، توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تهیه شود. در حالی که این مصوبات در قوانین کار و... پیش‌بینی نشده است. لذا بازنگری و تجدید نظر در قوانین مرتبط با اشتغال زنان، به منظور فراهم کردن شرایط مناسب برای فرزندآوری و تربیت صحیح فرزندان و در حقیقت رشد کمی جمعیت همراه با رشد کیفی آن در تمام زمینه‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

آسیب‌های ناشی از کنترل موالید بر خانواده

پس از روشن شدن اهداف کشورهای غربی از اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت در جوامع اسلامی، به بیان آسیب‌هایی که ممکن است خانواده‌ها با آن مواجه شوند، می‌پردازیم:

۱- عدم وجود ایثار و گذشت در خانواده و اولویت یافتن رفاه و لذت مادی

فرزندآوری در سراسر تاریخ از کارکردهای مهم خانواده بوده است. ترغیب خانواده‌ها به داشتن یک فرزند، سبب شده تا والدین در عمل به یک فرزند اکتفا کنند. تک فرزندی پدیده جدیدی نیست؛ اما در جامعه ما در هیچ زمانی مانند اکنون فراگیر نبوده است. در میان آموزه‌های اسلامی، نه تنها به تک فرزندی توصیه نشده، بلکه با آن مخالفت و با رعایت شرایطی دعوت به ازدیاد نسل شده است، به گونه‌ای که در قرآن کریم تکثیر نسل به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف ازدواج معرفی شده است.

سیاست‌گذاران کنترل جمعیت، در واقع به نوع شخصیت‌هایی که در جامعه و درون خانواده‌ها قرار است تربیت شوند، هیچ توجهی ندارند و تنها به کم شدن جمعیت می‌اندیشند. جان رایان، دین شناس کاتولیک آمریکایی در این باره به همسران هشدار می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد که فرزندان زیاد داشته باشند. او استدلال می‌کند تأمین خانواده‌های بزرگ، حاصلش زندگی موفق است. چون تأمین هزینه زندگی در این خانواده‌ها نیاز به ایثار و همدردی دارد. از طرفی خانواده‌های کم جمعیت، ممکن است ثروتمند باشند؛ اما این ثروتمند بودن خطرناک‌تر که از فقیر ماندن است. وی معتقد است: «کارشناسانی که به کنترل موالید معتقدند، به نوع شخصیت‌هایی که لازم است درست شود تا جامعه به صورت متعادل رشد کند و به حیات خود ادامه دهد، فکر نکرده‌اند» (مک کبین، ۱۳۸۴، ص ۳۵).

بر مبنای استدلال وی، در خانواده‌های پرجمعیت مفاهیمی نظیر ایثار، گذشت، هم‌اندیشی و مفاهیم عمیقی نظیر آن‌ها به خوبی خودنمایی می‌کند، بر خلاف خانواده‌های کم جمعیت که ممکن است ثروت فراوانی انباشته کنند، اما هرگز با این مفاهیم، ارتباطی برقرار نمی‌کنند. لذا این ثروت از فقیر بودن، برایشان خطرناک‌تر است. بنابراین اگر در نگرش دینی قناعت، ایثار، تمرین اخلاقی، کار و تلاش برای رشد و راحتی دیگران و... فی نفسه ارزش است و رفاه و لذت مادی در درجه دوم اعتبار و اهمیت قرار دارد، سیاست‌های کاهش جمعیت تا حد پیدایش خانواده‌های تک فرزند از این منظر می‌توانند مورد تجدید نظر یا سؤال قرار بگیرند.

به عبارت دیگر، تنظیم خانواده و سیاست فرزند کمتر - زندگی بهتر، در درازمدت اثرات مخرب روانی را برای کودکان و نیز والدین در پی خواهد داشت. کودکان در خانواده‌های کم جمعیت به ویژه تک فرزند همواره با سلسله خواست‌ها و انتظارات بی‌پایانی رشد

می‌کنند که همه یا اکثر آنها برآورده می‌شود. از این رو فرزندان درچنین خانواده‌هایی با مفاهیم ارزشی اخلاقی نظیر قناعت، ایثار، گذشت، کمک به هم‌نوعان، صبر، شکیبایی، تحمل، مدارا و... بیگانه خواهند بود. از سوی دیگر به دلیل اصالت رفاه و لذت، والدین نیز فرزند بیشتر را «مزاحم» تلقی می‌کنند/کاربر، ۱۳۸۶، ص ۲۸۷. علاوه بر این، نیاز کودک و فرزند به وجود همبازی و خواهر و برادر در خانواده یک نیاز فطری است که نمی‌توان آن را کتمان کرد. کودک نیازمند آن است که بسیاری از اوقات خود را با بازی و سرگرمی‌های مفید پر کند و این امر بدون وجود همبازی امکان پذیر نیست. پدیده خانواده‌های تک هسته‌ای و تک فرزندی، واقعیتی غیر قابل انکار است که اگر برای کنترل و رفع آن چاره‌ای اندیشیده نشود، در بلند مدت منجر به انقطاع و امحای نسل می‌گردد.

۲- تضعیف شبکه ارتباطی خویشاوندی و کاهش انسجام خانواده

تجربه و ادراک مستقیم روابط انسانی در قالب زندگی خانوادگی به شکل سنتی عامل پیوندها و ثبات عاطفی در روابط اجتماعی نخستین هستند. سیاست تک فرزندی می‌تواند تبعات مخرب عاطفی داشته باشد و نسل برآمده از این خانواده‌ها به سمت انزوا و تنهایی سوق داده می‌شوند. کاهش اقتدار والدین، پیامد دیگر تضعیف شبکه خویشاوندی و روابط خانوادگی است. در یک سیستم خانوادگی کامل، همه اعضای خانواده فرزندان را به پدر و مادرشان ارجاع می‌دهند. این کار سبب شکل‌گیری یک اقتدار درون شبکه‌ای و نهادینه شدن الگوی هرمی قدرت در خانواده به صورت غیرمستقیم در ذهن کودک می‌شود. ایجاد اقتدار توسط خود والدین و به دور از شبکه خویشاوندی اصولاً آسیب‌های بسیاری چون بروز خشونت یا دیکتاتوری والدین را به دنبال خواهد داشت. در صورتی که این اقتدار به شکل طبیعی در درون شبکه خویشاوندی شکل می‌گیرد^۱.

شبکه خویشاوندی در پرورش دینی و مذهبی فرزندان نیز تأثیر مستقیم دارد. الگوپذیری در کودکان امری طبیعی است و آنان پیوسته از رفتار اطرافیان خود اثر می‌پذیرند. این نوع آموزش که آموزش مشاهده‌ای و غیرمستقیم است، در تربیت کودک بسیار مؤثر است.

علاوه بر این، یکی از مؤلفه‌های خانواده منسجم پیوندهای عاطفی و میزان وابستگی فرزندان به والدین و بالعکس است. به همان میزان که وابستگی متعادل، ضروری و دارای مزایای فراوان است، افراط و تفریط در آن دارای آسیب بوده، مشکل‌زاست. در خانواده‌های تک فرزند میزان وابستگی دارای افراط و تفریط است. به این معنا که گاهی اوقات فرزند به سبب اشتغال والدین مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار می‌گیرد و گاهی نیز در کانون توجه بیش از حد والدین هست. تعدد فرزندان می‌تواند سبب ایجاد هماهنگی لازم و شکل‌گیری وابستگی متعادل باشد.

۳- ابتلای قابل توجه زنان و مردان به بیماری‌های مختلف

یکی از کم خطرترین روش‌هایی که توسط پزشکان برای جلوگیری از بارداری توصیه می‌شود، عزل است. عزل ضررهایی را بر مرد و زن وارد می‌کند. درباره مرد موجب کسالت اعصاب می‌شود و در اثر تکرار به حدی می‌رسد که درمانش صعب می‌گردد. درباره زن نیز موجب پیدایش مرضی در رحم به نام غده فیبرم و سرطان رحم می‌شود (حسینی طهرانی، ۱۴۲۵هـ ص ۳۹).

همچنین خوردن دارو برای جلوگیری رحم از پذیرش نطفه و آبستن نشدن زنان که امروزه به صورت قرص متداول و معمول شده است، ضررهای مزاجی شدیدی دارد و موجب کسالت اعصاب و گاهی موجب جنون و دیوانگی می‌شود. علاوه بر این، کسالت قلب و سرطان رحم و اختلال جریان خون و به هم خوردن سیر طبیعی و عمل طبیعی غدد و ترشحات زاید را به دنبال می‌آورد (همان، ص ۴۰).

۴- تغییر رفتارهای جنسی مردان و زنان و مجاز شدن سقط جنین

با اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت، دختران و پسران در سنین مختلف به تکنولوژی‌های کنترل بارداری و ایمن شدن از بارداری‌های ناخواسته دسترسی پیدا می‌کنند که این امر منجر به افزایش روابط خارج از چهارچوب خانواده و در نتیجه فروپاشی خانواده‌ها می‌شود.

به همین دلیل جنبش اصلاح نژادی، شعار کاهش جمعیت، عقیم‌سازی، کنترل زاد و ولد

و سقط جنین را به عنوان آرمان جهانی خود در جهت رفع فقر و ایجاد جامعه‌ای متکامل معرفی کرده است. طبیعی است که دستاوردهای این شعار، نوید جامعه‌ای با اندیشه دستیابی به پیشرفت اجتماعی، بدون نیاز به دین و اخلاق است (کاربر، ۱۳۸۶، ص ۲۸۸). این اقدامات غیراخلاقی، که در سایه شعارهای به ظاهر جذاب کنترل جمعیت و سقط جنین‌های اختیاری صورت می‌گیرد، توسط سازمان بهداشت جهانی، بانک جهانی و یونسف در حال پیاده شدن در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته است. این‌ها جملگی آسیب‌های اخلاقی است که دامنگیر سیاست کنترل جمعیت می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

- ۱- سیاست کنترل جمعیت، مجموعه تصمیمات مدون جمعیتی است که از سوی دولت در کشوری اتخاذ می‌شود و حدود فعالیت‌های او را در رابطه با مسائل جمعیتی و یا اموری که نتایج جمعیتی دارند، تعیین می‌کند. اجرای سیاست کنترل جمعیت در ایران در دراز مدت منجر به کاهش چشمگیر جمعیت، پیر شدن جمعیت و کمبود نیروی انسانی می‌شود.
- ۲- هدف کشورهای غربی از اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت در کشورهای اسلامی کاهش جمعیت مسلمانان، کاهش اقتدار سیاسی و تغییر در ترکیب‌های دینی، بحران اقتصادی در این کشورها، بحران فرهنگی، اجتماعی و... است.
- ۳- اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت در خانواده منجر به آسیب‌هایی از جمله عدم وجود ایثار و گذشت در خانواده و اولویت یافتن رفاه و لذت مادی، تضعیف شبکه ارتباطی خویشاوندی و کاهش انسجام خانواده، ابتلای قابل توجه زنان و مردان به بیماری‌های مختلف و تغییر رفتارهای جنسی مردان و زنان و مجاز شدن سقط جنین می‌شود.
- ۴- نظر به تاکیدات مقام معظم رهبری در خصوص افزایش جمعیت و کم شدن جمعیت شیعه و روند روبه افزایش جمعیت سنی در ایران، ضروری به نظر می‌رسد در جهت تکثیر نسل شیعه و تربیت انسان‌های متخصص و کارآمد فرهنگ‌سازی شود.
- ۵- با توجه به ضعف قوانین موجود در خصوص حمایت از فرزندآوری ضروری به نظر می‌رسد که قوانینی برای حمایت از زنان باردار و تسهیلاتی به منظور ترویج فرزندآوری بیشتر تصویب شود. همچنین عوامل تشویقی و ترغیبی فرزندآوری بیشتر، باید تبیین و به مردم اعلام شود و دولت نیز باید با برنامه‌ریزی صحیح برای افزایش

جمعیت کشور تلاش کند. البته رشد کمی جمعیت باید با رشد کیفی آن(علمی، فرهنگی و اقتصادی) همراه باشد.

۶- کنترل جمعیت باید با توجه به شرایط و مقتضیات زمانی که در آن زندگی می‌کنیم، صورت گیرد؛ امروزه سیاست استعمار طلبانه جوامع غربی کشتار مسلمین است. آنها افزایش نسل مسلمین را برای خود خطر می‌پندارند؛ لذا کشورهای اسلامی از جمله ایران باید بر امکانات و تسهیلات و افزایش توالد همت گمارند.

پیشنهادها

- ۱- آموزش روش‌های تربیتی صحیح به منظور تحویل نسلی سالم و کارآمد به جامعه.
- ۲- بازنگری و تجدید نظر در قوانین مرتبط با اشتغال زنان از جمله قانون کار و پیش‌بینی شرایط دورکاری و نیمه حضوری برای زنان باردار و مادران دارای فرزند.
- ۳- پیش‌بینی امتیازات و تسهیلات ویژه در قوانین برای زنان باردار و مادران دارای فرزند زیر ۷ سال به منظور تشویق زنان به داشتن فرزند.
- ۴- ترویج الگوی سبک زندگی اسلامی-ایرانی و آگاهی بخشی به زنان برای ایفای کامل‌تر نقش مادری و همسری.
- ۵- ترویج فواید فرزندآوری و پیامدهای منفی کاهش نرخ باروری از طریق رسانه‌ها.
- ۶- تسهیل شرایط ازدواج و کاهش سن ازدواج.
- ۷- ترویج شعار «فرزند بیشتر آینده بهتر».
- ۸- فرهنگ‌سازی برای دستیابی به جمعیت مطلوب و اصلاح بینش و نگرش مسئولان و مردم نسبت به پیامدهای منفی کاهش باروری.

منابع

- اصفهان‌ی (فاضل هندی)، محمد بن حسن، *كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام* (۱۶۱۶هـ)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول
امانی، مهدی، *جمعیت‌شناسی عمومی ایران* (۱۳۸۰)، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ اول
- بهدت گیلانی، و محمد تقی فومنی، *استفتائات* (۱۴۲۸هـ)، قم، دفتر آیت الله بهجت، چاپ اول
تقوی، نعمت الله، *جمعیت و تنظیم خانواده* (۱۳۸۰)، تبریز، نشر جامعه پژوه و نشر دانیال، چاپ هشتم
- جهانفر، محمد، *جمعیت‌شناسی ایران* (۱۳۷۶)، تهران، دانشگاه پیام نور
حر عاملی، محمد بن حسن، *وسایل الشیعه* (۱۴۱۴هـ)، قم، موسسه آل البیت، چاپ اول
حسینی خامنه‌ای، علی بن جواد، *أجوبة الاستفتائات* (۱۴۲۰هـ)، بیروت، الدار الإسلامیه، چاپ سوم
- حسینی طهرانی، محمد حسین، *رساله نکاحیه (کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین)* (۱۴۲۵هـ)، مشهد، مؤسسه تنظیم و نشر دوره علوم و معارف اسلام، چاپ دوم
- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه* (۱۳۴۴)، تهران، دانشگاه تهران
راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن المفضل، *المفردات فی غریب القرآن* (۱۴۲۳هـ)، قم، ذوی القربی
- سبحانی‌نیا، محمد، «*تحدید خانواده، تهدید جامعه*» (۱۳۹۱)، ره توشه راهیان نور، شماره ۱
سوختانلو، زهرا و رحمت آبادی، اعظم، «*تحدید نسل شیعه، تهدید جامعه ایران (علل کاهش جمعیت و پیامدهای آن)*» (۱۳۹۲)، معرفت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، شماره ۱۸۹
- سیوری حلّی، مقداد بن عبد الله، *التنقیح الرائع لمختصر الشرائع* (۱۴۰۴هـ)، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره)، چاپ اول
شورای عالی انقلاب فرهنگی، *جنگ جمعیتی (ستیز صهیونیسم علیه ملت‌ها)* (۱۳۹۲)

- طباطبایی حائری، علی بن محمد، *ریاض المسائل (ط/ الحدیثه)* (۱۴۱۸هـ)، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول
- طلعتی، محمد هادی، *رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین (آرا و مبانی فقهی - حقوقی)* (۱۳۸۳)، قم، بوستان کتاب قم، چاپ اول
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، *الخلاف* (۱۴۰۷هـ)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول
- طوسی، محمد بن علی بن حمزه، *الوسيله إلى نیل الفضيله* (۱۴۰۸هـ)، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول
- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، *اللمعه الدمشقیه فی فقه الإمامیه* (۱۴۱۰هـ)، بیروت، دار التراث - الدار الإسلامیه، چاپ اول
- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه (المحشی - کلانتر)* (۱۴۱۰هـ)، قم، کتابفروشی داوری، چاپ اول
- _____ *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام* (۱۴۱۳هـ)، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول
- عظیمزاده اردبیلی، فائزه و انسیه خدایی، «فرهنگ کنترل موالید در نگاه فقهی و اجتماعی» (۱۳۹۱)، *دوفصلنامه علمی - ترویجی فقه و حقوق (ندای صادق)*، تهران، دانشگاه امام رضا
- صا ﴿﴾ پردیس خاوران، شماره ۵۷
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین (بی تا)*، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی فولادی، محمد، «تاملی در سیاست کنترل جمعیت: آثار و پیامدهای آن» (۱۳۹۰)، *فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، شماره ۱
- قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *من لا یحضره الفقیه* (۱۴۱۳هـ)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم
- کلانتری، صمد، *جمعیت و تنظیم خانواده* (۱۳۷۸)، اصفهان، فروغ ولایت
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی* (۱۴۰۵هـ)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم
- گاردنر، جان ویلیام، *جنگ علیه خانواده* (۱۳۸۶)، ترجمه معصوم محمدی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان

- محدث نوری، حسین، مستدرک الوسائل (۱۴۰۸هـ)، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث العربی، چاپ اول
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعة (۱۴۱۳هـ)، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول
- مک کبیین، بیل، «تأملی درباره خانواده تک فرزندی» (آذر ۱۳۸۲ و اسفند ۱۳۸۴)، سیاحت غرب، سال اول، شماره ۶ و سال سوم، شماره ۳۲
- مکارم شیرازی، ناصر، أحكام النساء (۱۴۲۶هـ)، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول
- موحدی لنکرانی، محمد فاضل، الأحكام الواضحة (۱۴۲۲هـ)، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، چاپ چهارم
- موسوی خمینی، روح الله، استفتائات (۱۴۲۲هـ)، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم
- ، صحیفه نور (۱۳۷۸)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (۱۴۰۴هـ)، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم
- نخعی، مهناز، جمعیت و تنظیم خانواده (۱۳۸۸)، تهران، آبیژ، چاپ سوم

پایگاه‌های اینترنتی:

<http://www.598.ir>

<http://www.iranculture.org>

<http://www.jz.ac.ir>

<http://www.khamenei.ir>

<http://www.rc.majlis.ir>

<http://www.sobhani.ir>

<http://www.amar.org.ir>